



امام رضا (ع) و تربیت نسل منتظر

زهرا قاسمی نژاد و صغری لک زایی

چکیده

امام رضا 7 در بیانات خود به مسأله تربیت و انتظار اشاره کرده و گاهی انتظار فرج را برترین فضیلت دانسته اند؛ لذا تربیت نسل منتظر، اهمیت ویژه دارد که لازم است خانواده و جامعه، همگام در راه تحقق این مهم بکوشند. در تربیت نسل منتظر، تربیت باید دینی باشد؛ یعنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شود. دانستن شاخصه‌ها و ویژگی‌های نسل منتظر، می‌تواند زمینه‌ای برای تربیت نسلی منتظر باشد. امام رضا 7 در بیانات شریف خود، به این ویژگی‌ها اشاره فرموده است. نگارندگان در این نوشتار پس از بیان مفاهیم تعلیم و تربیت، و اخلاق که گاهی با تربیت، یکسان پنداشته می‌شود، به بیان مسأله ظهور و گستره آن در بیانات امام رضا 7 پرداخته اند؛ سپس شاخصه‌های نسل منتظر را از نگاه آن امام بیان کرده و بر مبنای شاخصه‌هایی که امام فرموده است، سازو کارهایی در جهت تربیت دینی نسل منتظر در دو حوزه خانواده و جامعه نموده‌اند.



کلید واژه‌ها: امام رضا 7، اخلاق، تربیت، تعلیم، جامعه، خانواده، نسل منتظر.

مقدمه

هیچ انقلاب و نهضتی، بدون مقدمه و زمینه سازی به پیروزی نخواهد رسید. انقلاب جهانی امام مهدی 7 نیز از این قانون مستثنا نیست. از آن جا که انقلاب جهانی حضرت مهدی 7 مهم‌ترین و عمیق‌ترین انقلاب جهانی است، یکی از موارد زمینه ساز برای این نهضت عظیم، تربیت نسل منتظر است.

مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری، دو شاخصه اصلی نسلی است که باید زمینه‌ساز حکومت مهدوی باشند. این دو شاخصه در شاخه نسلی جدید که با سهمگین‌ترین توفان‌های بنیان برانداز دین و دین‌داری رو به رویند، تنها با تربیت دینی اصولی، و همراه بینش و آگاهی شکل می‌گیرد.

سؤال اساسی، این است که امروز چه کسانی مسئولیت تربیت نسلی منتظر را برعهده دارند؟ آیا خانواده به تنهایی می‌تواند نسلی منتظر تربیت کند؟ جامعه، چقدر و چگونه در تربیت نسل منتظر نقش دارد؟ آیا شاخصه‌هایی وجود دارد که بتوان بر مبنای آن به تربیت نسل منتظر پرداخت؟

آنچه بیان شد، پرسش‌هایی است که این نوشتار درصدد پاسخ گویی به آن است. سعی بر این است که پس از ذکر مقدماتی از مفاهیم تعلیم و تربیت و انتظار، به پاره‌ای از ساز و کارهای تربیت دینی با توجه به آموزه‌های رضوی اشاره شود؛ تا بتواند در تربیت نسل منتظر، راهگشا باشد.

تعلیم و تربیت

وقتی سخن از تربیت است، سه واژه تربیت، تعلیم و اخلاق، ارتباطی نزدیک



و گاهی هم معنا پیدا می‌کنند؛ لذا به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این سه واژه می‌پردازیم. تعلیم، مصدر باب تفعیل است که از ماده (ع ل م) مشتق شده است و در لغت به معنای آموختن می‌باشد. راغب اصفهانی می‌گوید:

تعلیم به اموری اختصاص دارد که با تکرار و فراوانی همراه باشد، به گونه‌ای که از آن، اثری در ذهن متعلم به وجود آید. برخی در بیان آن گفته‌اند: تعلیم آگاه کردن نفس برای تصور معانی است و تعلم آگاه شدن نفس بر آن است. (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ماده علم؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ماده علم)

از تربیت نیز تعاریف متعددی ارائه شده که این تفاوت‌ها ناشی از اختلاف در مورد ریشه این کلمه است. برخی آن را مشتق از «رب» می‌دانند و تربیت را مناسب با آن تعریف می‌کنند. فیومی در المصباح المنیر خاطر نشان کرده که اگر کلمه «رب» به غیر عاقل مضاف شود، به مفهوم مالک است؛ ولی اگر به عاقل مضاف شود، به معنای سید است. [۳]

ابن فارس در مقایسه اللغه معنای آن را راجع به سه مفهوم می‌داند:

۱. اصلاح الشیء: اگر به مالک و خالق و صاحب یک چیز، رب گفته شود، با در نظر گرفتن این اصل بوده است؛ چون این سه اصلاحگر مخلوق و مملوک خود هستند.
 ۲. لزوم الشیء یا همراهی با آن است که مراقبت مداوم از شیء است، و با معنای قبل آن، مناسب است و حالت تدریج و ادامه را در امر تربیت، ضروری می‌نماید. ۳. ضم الشیء للشیء که آن نیز با مفاهیم قبل، مناسبت دارد و پیوستن و اضافه شدن و جمع شدن چیزی با چیز دیگر را می‌رساند. (ابن فارس، ۲۰۰۱: ج ۴، ص ۱۸)
- در صحاح، معانی مالک، اصلاح کننده و تمام کننده برای این کلمه ذکر شده است. (جوهری، ۱۴۰۷: ماده رب)

تعریف راغب در مفردات، تقریباً تمام مضامین مذکور را در جمله‌ای کوتاه



خلاصه کرده است:

الرب في الأصل التربيّه وهو إنشاء الشيء حالاً فحالاً إلى حدّ التمام (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲ ش: ماده رب).

استاد شهید مرتضی مطهری، تربیت را این گونه تعریف می کند:

تربیت، عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعداد‌های درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است... از همین جا معلوم می شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۵۶ و ۵۷)

با مقایسه آنچه در مجموع درباره معنای ریشه‌ای لغات تعلیم و تربیت گفته شد، روشن می شود که نه تنها تعلیم، وسیله‌ای برای تربیت به شمار می رود، بلکه خود از مصادیق تربیت است. البته بین تربیت در مقام عمل، و دانش تربیت، فرق است. تربیت در مقام عمل، امری است که بر فرد یا گروهی از افراد اعمال می شود یا فرد یا گروهی از افراد، آن را می پذیرند؛ اما دانش تعلیم و تربیت یک رشته علمی است که واقعیت‌ها و موقعیت‌های تربیتی را تحقیق و بررسی می کند و امروزه مشروعیت خود را در عرصه علوم به اثبات رسانده است. وجود علایق خاص، ترتیب سؤال‌ها و شیوه پاسخ دهی به پرسش‌ها، چارچوب مفهومی خاصی را فراهم می کند که آن را از دیگر علوم متمایز می نماید.

همچنین در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق، در گذشته موجب شده است مرز مشخصی میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود؛ چنان که غزالی چنین نگاشت:

معنی تربیت این است که مربی، اخلاق بد را از آدمی باز ستاند و به دور اندازد و

اخلاق نیکو جای آن بنهد. (غزالی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۵۲-۵۳)

یا گفته شده: تربیت صنعتی است که از طریق آن، مدارج عالیه انسانی فراهم می‌آید و پست‌ترین مراتب انسانی به کامل‌ترین رتبه خود می‌رسند. (خواجه طوسی، بی تا: ص ۱۰۷)

این دو تعریف از تربیت، بیانگر آن است که در گذشته در کلام برخی اندیشوران، تربیت به معنای اخلاق بوده است.

در تفاوت تربیت و اخلاق شهید مطهری معتقد است:

تربیت، مفهوم پرورش و ساختن را می‌رساند و فاقد قداست است؛ اما در مفهوم اخلاق، قداست نهاده شده است؛ لذا برخلاف تربیت که برای حیوانات هم استعمال می‌شود، واژه اخلاق را در باره حیوان به کار نمی‌برند. فن تربیت، وقتی گفته می‌شود که منظور، مطلق پرورش باشد به هر شکل، این دیگر تابع غرض ماست که طرف را چگونه و برای چه هدفی پرورش دهیم؛ اما درباره اخلاق هر کاری که انسان، آن را به حکم ساختمان طبیعی اش انجام دهد، فعل طبیعی است، و فعل اخلاقی، فعل غیر طبیعی است. (مطهری، ۱۳۷۳: ص ۹۶-??)

تربیت دینی

در تربیت نسل منتظر در این پژوهش، تأکید بر تربیت دینی است؛ مفهومی که اینجا برای «تربیت دینی» در نظر گرفته می‌شود، به برآیند تربیت دینی، یعنی دین باوری و دین مداری و شخص دین باور و دین مدار نظر دارد.

دین مدار، کسی است که پیش از هر چیز، حیثیت کاربردی دین را باور کرده و به کارکردهای مؤثر دین در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی، یقین داشته باشد.

تربیت دینی بدین ترتیب، هم به جهان بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر



دارد و هم به اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آنها متکی است. به عبارتی، تربیت دینی هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او کار دارد. کرامت انسان، اقتضا دارد که وی بتواند به پشتوانه ابزار و عناصری شخصی و شخصیتی (نظیر حواس ظاهری و باطنی، امیال، گرایش‌ها، انفعالات و احساسات) به جایگاه والای خویش در نظام آفرینش بیندیشد و برای نیل به آن جایگاه به کمک اعضای ظاهری (جوارح) و نیروهای درونی (جوانح) خویش تلاش مناسب را به عمل آورد. چنین جایگاهی جز از راه معرفت دینی و التزام به رهنمودهای دینی، میسر نیست و این هدف برجسته و مقصود بایسته، تنها با تربیت دینی، قابل تحقق است. در مباحث قبل، بیان شد که در مفهوم تربیت برخلاف اخلاق، قداست نیست؛ اما عنوان تربیت دینی، مسأله تربیت را محدود می‌کند و نوعی قداست و ارزش به آن می‌بخشد. نظر ما به تربیت دینی بیشتر، از این منظر است که شخص از نظر اعتقادات و جهان بینی اسلامی به مرتبه‌ای از رشد برسد که دین در اعمال و اخلاق او جلوه‌ای بارز داشته باشد؛ لذا تربیت دینی، در همه ابعاد باید حضور داشته باشد. در تربیت دینی، فقط ذهن و باورها ملاک نیست؛ بلکه باید تربیت عقلی بدنی، اجتماعی هم دینی شود.

پیش از ورود به بحث تربیت، به تناسب موضوع، لازم است بحثی از انتظار و منتظر از نگاه امام رضا 7 ارائه کنیم.

انتظار و منتظر از دیدگاه امام رضا 7

موضوعی که در زمینه مهدویت در کلام امام رضا 7 یافت می‌شود، موضوع انتظار فرج یا چشم به راه گشایش بودن است. آن حضرت در روایات متعددی به موضوع فضیلت انتظار و فرج اشاره کرده است؛ از جمله در روایتی خطاب به «حسن



بن جهم» که از حضرتش درباره «فرج» می‌پرسد، می‌فرماید:

«أولست تعلم أنّ انتظار الفرج من الفرج؟» قلت: «لا أدري، إلا أن تعلمني».

فقال: «نعم؛ إنتظار الفرج من الفرج»؛ (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ش: ص ۲۷۶)

«آیا می‌دانی که انتظار فرج، جزئی از فرج است؟» گفتم: «نمی‌دانم، مگر اینکه

شما به من بیاموزید». فرمود: «آری؛ انتظار فرج، جزئی از فرج است».

در روایت دیگری نیز می‌فرماید:

ما أحسن الصبر و انتظار الفرج. أما سمعت قول العبد الصالح: «وارتقبوا إني

معكم رقيب» «وانظروا إني معكم من المنتظرين» فعليكم بالصبر إنما يجيء الفرج

على اليأس و قد كان الذين من قبلكم أصبر منكم؛ (عطاردی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۲۱۷)

چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا سخن بنده صالح خدا [شعیب] را نشنیدی

که فرمود: «و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم» و «پس منتظر باشید که من

[هم] با شما از منتظرانم؟ بر شما باد به صبر و بردباری؛ چرا که گشایش، پس از

ناامیدی فرا می‌رسد و به تحقیق، کسانی که پیش از شما بودند، از شما بردبارتر بودند.

آن حضرت در روایت بسیار زیبایی، فضیلت انتظار را این‌گونه بیان می‌کند:

أما يرضى أحدكم أن يكون في بيته ينفق على عياله ينتظر أمرنا فإن أدركه

كان كمن شهد مع رسول الله ﷺ، بدرا، وإن لم يدركه كان كمن كان مع قائمنا في

فسطاطه؛ (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۴، ص ۲۶۶)

آیا هیچ یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده‌اش را

بپردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنین حالی از دنیا برود، مانند کسی

است که همراه رسول خدا ﷺ در نبرد بدر به شهادت رسیده است. و اگر هم مرگ

به سراغ او نیاید، مانند کسی است که همراه قائم ما و در خیمه او باشد.

در اهمیت و ارزش انتظار، همین بس که خداوند، اسماعیل را به سبب همین



انتظارش صادق الوعد خوانده است. سلیمان جعفری از امام رضا 7 روایت کرده است که فرمود:

می دانید چرا خداوند، اسماعیل را صادق الوعد نامیده است؟ چون او به مردی وعده داده بود، یک سال نشست و انتظار وی را کشید». (ابن بابویه، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ص ۷۹)

گستره موضوع مهدویت و تأثیر رویکرد مهدوی بر تربیت نسل منتظر در جامعه رضوی

از آن رو که حکومت امام زمان 7 جهانی است، نگاه ما نیز به این موضوع باید جهانی باشد. تربیت اسلامی از دو زاویه به انسان می نگرد؛ فردی و اجتماعی. در نگاه اجتماعی اسلام، منظور از اجتماع، شهر و محله نیست و جامعه جهانی مد نظر شارع بوده است. ائمه : در تبلیغ اسلام، می کوشیده‌اند که از ابزارهای جهانی استفاده کنند؛ برای نمونه جلسات عزاداری سیدالشهدا 7 را می توان برای اقشار مختلفی برپا کرد، ولی امام محمد باقر 7 به فرزندشان امام صادق 7 وصیت فرمود تا ده سال در منا که محل وقوف همه حجاج است برای آن حضرت مجلس روضه سیدالشهدا 7 برپا کند. همین امر باعث شد این موضوع، توسعه‌ای جهانی یابد و مردم نقاط مختلف دنیا که برای حج می آمدند، از این موضوع آگاه شوند. این تصمیم، در حالی عملی شد که بنی عباس همه راه‌ها را بسته بودند و بسیاری از ابزارهای تبلیغ در اختیار اهل بیت : نبود. بر خلاف ما که خود را به زبان ملیت و قومیت خویش محدود می کنیم، شارع در نگاه تربیتی، اصلاً چنین دیدگاهی نداشته است.

در تربیت صحیح اسلامی، هر مسلمان باید به گونه‌ای تربیت شود که بتواند دین خود را به همه جهان ارائه کند و برای تمام عرصه‌ها مهیا باشد؛ زیرا امام زمان 7، امام همه زمین‌ها و زبان‌ها و ملیت‌ها است و به هیچ مرزی محدود نمی شود. وقتی



شیعیان فراتر از مرزها فکر کردند و حضرت مهدی 7 را منجی همه جهان دانستند، به طور طبیعی منتظر آن حضرت هم بسته به میزان گنجایش و ظرفیت محدودی که دارد، يك منجی می‌شود که از مرزهای زمان و مکان عبور کرده است. مسلماً این شخص، هم برای اطرافیان و محیط پیرامونی خویش می‌تواند مفید باشد و هم دیگران را از وجود او بهره‌مند کند.

به استناد آیات قرآن، حضور افراد مؤمن در يك محیط، باعث می‌شود که عذاب از بقية مردم نیز رفع شود. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾
(انفال: ۳۳)

یعنی علاوه بر دیگر فواید متصور از تربیت این چنین نسلی، ما می‌توانیم از برکات تکوینی حضور آنان نیز بهره‌مند شویم.

زمانی که رویکرد ما در تربیت نسل منتظر، رویکرد جهانی باشد، وظیفه ما مهم تر و بسیار سنگین است. وظیفه در تربیت جهانی به دو قسم تقسیم می‌شود؛ تربیت خانواده و تربیت جامعه؛ در تربیت خانواده، نقش اصلی را در تربیت نسل منتظر، والدین به ویژه مادر ایفا می‌کند و در تربیت نسل منتظر در جامعه، حکومت اسلامی باید با در دست گرفتن ابزارهای تبلیغاتی، تربیت را به سوی تربیت نسل منتظر سوق دهد. باید ساز و کارهای این نوع رویکرد به تربیت را از مفسران وحی الهی یعنی ائمه اطهار- دریافت کرد، پیش از ارائه راهکارهای تربیت نسل منتظر، شاخص‌های نسل منتظر از دیدگاه امام رضا 7 بیان می‌شود.

شاخص‌های نسل منتظر

زمانی می‌توانیم راهکارهای مناسبی در تربیت دینی نسل منتظر ارائه کنیم که



بدانیم نسل منتظر در آموزه‌های رضوی، چه شاخصه‌هایی دارند؛ لذا در این قسمت به آن می‌پردازیم، تا هم بتوانیم ویژگی‌های نسل منتظر را از دیدگاه امام رضا 7 بیان کنیم و هم بهتر بتوانیم ساز و کارها را ارائه نماییم؛ در نتیجه اگر این ویژگی‌ها در جامعه دیده نمی‌شود، به خود آئیم و تلاشمان را شروع کنیم و اگر این شاخصه‌ها را می‌بینیم، در ترویج و برجسته کردن آنها بکوشیم. در واقع، این شاخصه‌ها، میزان همبستگی جامعه را با آموزه‌های رضوی مشخص می‌کند. هر اندازه به این شاخص‌ها نزدیکتر باشیم، در حقیقت به فرهنگ رضوی و انتظار نزدیک هستیم.

شاخصه‌های نسل منتظر از دیدگاه امام رضا 7

۱. توجه به آینده و ایمان به آن

یکی از ویژگی‌های نسل منتظر، این است که به واقعه‌ای که در آینده اتفاق خواهد افتاد، ایمان دارند. خداوند دو هدیه بزرگ به ما کرامت فرموده است؛ نخست این که قیامت را وعده داده و دیگر اینکه ظهور موعود را مطرح کرده است. یکی از ویژگی‌های تربیتی انسان منتظر، این است که به آینده‌ای با وقایع و ویژگی‌های خاص می‌اندیشد. امام رضا 7 به مناسبت‌های گوناگون روح اندیشیدن به آینده و ایمان به آینده‌ای روشن را در وجود یاران خود زنده می‌کرد و می‌فرمود:

الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرَجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا؛ (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ص ۳۷۲)

حجت قائم که در غیبتش انتظار او را کشند و در ظهورش مطاع باشد، اگر از دنیا مگر یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را طولانی می‌نماید، تا ظهور کند و زمین را پر از عدالت کند؛ همان گونه که از ستم پر شده است.



این سخن به مردم، این نوید را می‌دهد که باید به آینده‌ای روشن امید داشته باشند. اندیشیدن و امید به آینده‌ای روشن، انسان را در انجام وظایفش محکم‌تر و مشتاق‌تر می‌کند؛ بنابراین نسل منتظر باید به گونه‌ای پرورش یابد که ایمان به آینده‌ای روشن در وجود او نهادینه شده باشد.

۲. آمادگی

دومین ویژگی نسل منتظر، آمادگی است. نسل منتظر باید بداند که در عصر ظهور، دارای چه نقشی است. انسان منتظر باید آمادگی کارگزاری حکومت جهانی را داشته باشد. امام زمان 7 به نیرو و انسانی نیاز دارد که بتواند با پدیده‌ها و شرایط گوناگون، روبه‌رو شود. این امر که افراد، در دوران غیبت، قابلیت‌ها و تخصص‌های خود را گسترش ندهند، با مفهوم انتظار، تطابق ندارد.

امام رضا 7 به گونه‌ای از ظهور، سخن می‌گفت که این روح آمادگی را درون انسان‌ها پرورش می‌داد. آن حضرت از قول جدش 9 می‌فرماید:

أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۶)

بهترین عبادات امت من انتظار فرج و گشایش [در امور مسلمین] از جانب خدا است.

معنای انتظار فرج الهی، آماده کردن خود برای آن، و کوشش و خودسازی برای آمدن آن است؛ مانند کسی که منتظر وقت نماز، یا وقت افطار، یا آمدن مسافرش است که این گونه نیست که بدون هیچ اقدامی دست روی دست بگذارد و بگوید: هر چه شدنی است، خواهد شد. انتظار فرج آل محمد : را نیز کسانی دارند که در راه تحقق آن، شبانه روز می‌کوشند و خود و جمعیت خود را برای آن آماده می‌کنند. و باید دانست که هرگاه خود را برای تحقق و پذیرش ظهور آماده ساختیم، خداوند کار را تمام نموده رحمت خود را شامل ما خواهد کرد؛ در غیر این صورت، نباید



انتظار بیهوده داشت. بنابر روایات بسیاری، این جمعیت در جهان، پیدا خواهند شد و سعادت دیدار محبوب را خواهند یافت و به مطلوب خواهند رسید.

۳. تفکر جهانی

چهارمین ویژگی نسل منتظر، این است که از خویشتن بیرون آمده و جهانی شده‌اند. یکی از ویژگی‌های انتظار، این است که انسان‌ها را از درون خودشان بیرون بیاورد؛ تا از پرداختن به مسائل جزئی زندگی خود دوری کنند. خودمحموری برای جامعه، بسیار خطرناک است. خودمحموری، یعنی این که شخص، خود را در حد خود و خانه خود ببیند. این نوع تفکر، هیچ گاه به نسل آینده نمی‌اندیشد و برای تربیت آنها احساس نیاز و وظیفه نمی‌کند؛ در حالی که در احادیث شریف امام رضا 7 می‌خوانیم که منادی در روز ظهور حجت 7، همه را خطاب می‌کند، آن حضرت می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِ يَقُولُ: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ»؛

او [حضرت مهدی] 7 کسی است که ندا دهنده‌ای از آسمان به نام وی فریاد کند که همه اهل زمین دعوت به سوی او بشنوند؛ گوید: «هان! همانا حجت خدا نزد خانه خدا آشکار شد. او را پیروی کنید که حق با او و در او است». (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۲)

عبارت «جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ» نشان می‌دهد که ظهور حضرت 7 جهانی است؛ بنابراین تربیت دینی نسل منتظر نیز باید جهانی باشد. به فرموده حضرت امام رضا 7 یاران امام عصر از دورترین نقاط جهان گرد هم می‌آیند: «يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ». (ابن بابویه قمی، همان، ص ۳۷۸) آنان همه یک ویژگی دارند و آن، اینکه تربیت شده برای امامشان هستند. این افراد را تفکری جهانی به هم پیوند داده

است.

۴. زیستن با یاد او

ما باید به نسل منتظر بیاموزیم، از امامی که در پس پرده غیبت است، چگونه بهره ببرد و چگونه با یاد او زندگی کند. نسل منتظر باید لحظه به لحظه از امام زمان 7 بهره بگیرد. هر نعمتی که نصیب همه ما شده، از برکت یاری طلبیدن از امام زمان 7 است. یکی از ویژگی‌های نسل منتظر، این است که در همه اعمال، به امام زمان توجه دارد. امام رضا 7 فرمود:

«إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرَ» فَقُلْتُ لَهُ: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّي الْقَائِمَ» «قَالَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ». (ابن بابویه قمی، همان)

این سخن، به خوبی نشان می‌دهد که مردم عصر ظهور، از یاد امام خویش غافلند.

۵. خدامحوری

از ویژگی‌های نسل منتظر، خدامحوری است. این ویژگی، جوهره اساسی رفتار و منش فرد دیندار است و در جایگاه مهم‌ترین عامل در ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر حوزه‌های تربیتی، مطرح می‌شود. به‌طور مشخص، مفهوم خدامحوری عبارت است از «جهت‌گیری کلیه اعمال و رفتارهای انسان به سوی ملاک‌ها و معیارهای الهی». انعکاس این امر در فضای تربیت، بیانگر ویژگی خدامحوری است. امام رضا 7 می‌فرماید: «أَوَّلُ الْإِيمَانِ هُوَ التَّوْحِيدُ، وَالْإِقْرَارُ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْوَحْدَانِيَّةِ». (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۱۵۹)

این سخن به خوبی وظیفه متولیان تربیت نسل منتظر را روشن می‌کند که باید توحید را در ذهن و جان نسل منتظر وارد کنند.

۶. دین محوری



دین، ناظر به کلیه جوانب زندگی انسان است و با نگرشی فراتر از رفع نیازهای موضعی و مادی، جهت‌دهنده بسیاری از خواسته‌های انسان در روند زندگی از حیث گزینش و نحوه عمل و مسیر آن می‌باشد. دین است که به زندگی، محتوا می‌دهد و آن را از امپراتوری قدرتمند فن آوری که به ادعان اندیشوران، یکی از ثمرات منفی آن، پوچی و بی‌محتوایی زندگی و بی‌معنا کردن آن است، نجات می‌دهد. همچنین از تحیر و سرگردانی ناشی از گرفتار شدن در دریایی از اطلاعات بی‌حد و مرز، نجات می‌دهد. دین است که آرامش بخش انسان در دنیای پر از تنش و اضطراب امروزی است. امام رضا 7 یکی از ویژگی‌های امام عصر 7 را آشکار کردن دین می‌داند و می‌فرماید: التاسع من ولدك يا حسين هو القائم بالحق، المظهر للدين؛ (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۲۱).

بنابراین انسان‌هایی منتظرند که دین، محور زندگی شان باشند و خواهان ظهور کسی باشند که دین را به معنای واقعی کلمه برایشان آشکار کند.

۷. عدالت خواهی

نسل منتظر از بی‌عدالتی و ظلم، تنفر دارد و مخالفتش را به هر نحو ممکن اعلام می‌کند. عدالت از مقوله‌هایی است که همه پیامبران زعامت و رهبری خود را بر مبنای آن قرار داده‌اند. امام عصر 7 نیز خود عدالت گستر است و در پی نسلی عدالت خواه. تا مردم، ضرورت عدالت را نفهمند و نخواهند، فرج را انتظار نخواهند داشت؛ لذا امام رضا 7 در برخی موارد، امام مهدی 7 را عدالت گستر معرفی می‌کند تا بفهماند که نسل منتظر، باید عدالت خواه و عدالت محور باشد. آن حضرت می‌فرماید:

فإذا خرج أشرفت الأرض بنوره و وضع ميزان العدل بين الناس. (عطاردی، همان: ج ۱، ص ۲۲۳)

۸. تجلی گاه ویژگی امام زمان 7

نسلی را می توان یک نسل منتظر نامید که بر اساس تربیت صحیح دینی، ویژگی های امام، در آنها تجلی یافته باشد یا دست کم، دوستدار و خواهان صفاتی باشند که امامشان دارا است. امام رضا 7 در مناظره خود با راس الجالوت ویژگی های امام را این گونه بیان فرمود:

به تورات، انجیل، زبور و قرآن، احاطه داشته باشد و با پیروان هر يك با کتاب خودشان احتجاج کند. همه زبان ها را بداند و با اهل هر زبانی با زبان خودش، مباحثه کند. افزون بر این ها، باید از هر آلودگی و عیبی، پاک باشد. همچنین عادل، با انصاف، حکیم، دلسوز و مهربان، بردبار، اهل بخشش و گذشت، راستگو و نیکوکار، صمیمی، امین و مطمئن باشد و امور مردم را حلّ و فصل کند. (قطب راوندی، ج: ۱، ص ۳۵۰)

این ها برخی از صفاتی است که امام رضا 7 برای امام برشمرده است. در رهرو امام نیز باید این صفات ظهور کند. در کشورهای مسلمان باید عده ای باشند که به همه زبان ها آگاهی یابند تا بتوانند با هر کس با زبان خودش احتجاج کنند. باید عده ای از ادیان آگاهی کامل داشته باشند، تا بتوانند با پیروان هر دینی طبق آیین خودشان مناظره و بحث کنند. نیز باید دلسوزی، انصاف، عدالت، راستی، صبر و بردباری، مهربانی از خصوصیات آنها باشد. بنابراین وظیفه متولیان تربیت است که به گونه ای نسل منتظر را تربیت کنند که ویژگی های رهبر و امام شدن و مسؤولیت پذیری در حکومت مهدوی را داشته باشند.

ساز و کارهای تربیت دینی نسل منتظر از دیدگاه امام رضا 7
تربیت نسل، یک مسأله بسیار حساس و مهم است که در اسلام به آن اهمیت



زیادی داده شده است. نکته اساسی‌ای که در آموزه‌های رضوی به چشم می‌خورد، تربیت دینی است. امام رضا 7 درباره اهمیت آموختن تعلیم دینی برای جوانان می‌فرماید:

لَوْ وَجَدْتُ سَابَأً مِنْ شُبَّانِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَصَرَبْتُهِ عِشْرِينَ سَوْطًا؛ (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۵، ص ۳۴۶)

اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که در مقام فراگیری دانش دین نباشد، [برای تنبیه او] بیست تازیانه بر او خواهم زد.

این روایت، نشان می‌دهد که هر فردی از مسلمانان باید با آموزه‌های دینی آشنا باشد؛ یا به روش اجتهادی یا تقلیدی. در غیر این صورت، اهل بیت، او را ملامت می‌کنند.

در این نوشتار، سازوکارهای تربیت دینی نسل منتظر را که امام 7 بر آن تأکید دارد، به دو بخش تقسیم می‌کنیم؛ یکی سازوکارهای تربیتی که باید در خانواده انجام گیرد و دیگری سازوکارهایی که باید در حوزه جامعه صورت گیرد. البته این تقسیم بندی، دلیل بر آن نیست که در یک مورد، فقط خانواده نقش دارد و دیگری تنها جامعه؛ بلکه جامعه و خانواده در تمام موارد مشترکند؛ اما گاهی در یک مورد، نقش خانواده، نقش اصلی است و به همین جهت آن را در حوزه خانواده ذکر کرده‌ایم.

تربیت نسل منتظر و سازوکارهای آن در حوزه خانواده

۱. توجه به نقش خانواده

در باره نقش خانواده، باید به دو مرحله اشاره کرد که در تربیت نسل منتظر، نقش اساسی در بردارد؛ یکی از این مراحل، نقش خانواده در تربیت دینی فرزند پیش از تولد او است که می‌توان از برخی موارد آن، با عنوان عامل زیست شناختی و



وراثتی یاد کرد. نقش وراثت و انتقال خلق و خوهای پدر و مادر به فرزندان بر کسی پوشیده نیست. وراثت با وجود اختیار فرزندان، زمینه و بستر مناسبی برای پذیرش و حرکت فرزندان به سوی مسیر خاص را فراهم می‌آورد. از مواردی که امام رضا 7 بر آن تأکید می‌فرماید، اخلاق نیک پدر و مادر است. حسین بن بشار واسطی به حضرت رضا 7 نامه‌ای نوشت که یکی از بستگانم درخواست وصلت با من دارد؛ ولی بد اخلاق است. حضرت در جواب فرمود: «اگر اخلاقش بد است، با او ازدواج نکن». (فلسفی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۱۷۶)

در حدیثی دیگر حضرت رضا 7 از پدرانش از امیرالمؤمنین 7 روایت کرده است که حضرت رسول 9 فرمود:

لا تسترضعوا الحمقاء ولا العمشاء فان اللبن یعدی؛ (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۷۸)

زنان احمق و کم‌بین را برای شیردادن به کودکان خود اختیار نکنید؛ چرا که شیر زن [در بچه] اثر می‌گذارد.

تأثیر وراثت، به معنای اختیار نداشتن انسان نیست؛ بلکه بیان روند طبیعی انتقال صفات از اصل به فرع است. در حقیقت، سعادت، شقاوت، کفر، ایمان و... در کودک، حالت تعلیقی دارد که چون در محیط مساعد قرار گیرد، به فعلیت می‌رسد. به بیان دیگر، نقش وراثت، آن است که زمینه‌های سرشتی را قوی‌تر می‌کند و ضریب امکان تحقق آنها را در شرایط محیطی مناسب، افزایش می‌دهد.

پس اگر انسان در انتخاب همسر دقت کند و عوامل دینی و اخلاقی را در اولویت قرار دهد، بستری فراهم می‌آورد تا در آینده بتواند به آسانی محبت حضرت مهدی 7 را به فرزند خود انتقال دهد.

پس از انتخاب همسر شایسته، در طلیعه ازدواج باید مهم‌ترین هدف ازدواج که



همان تربیت فرزندان صالح است، مورد توجه باشد. باید یاد خداوند متعال میهمان قلب‌های پاک زن و مرد باشد و آنها، ضمن رعایت سایر آداب نکاح، از خداوند فرزند سالم و صالح بخواهند. در کتاب شریف فقه الرضا، در باره نخستین برخورد زن و مرد، خطاب به شوهر، چنین آمده است:

هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی اش را بگیر؛ او را به طرف قبله بنشان و بگو: «خداوندا! او را به امانت گرفته ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده ام؛ پروردگارا! از او فرزند با برکت و سالم روزی ام کن و شیطان را در نطفه شریک مساز و سهمی برای او قرار مده». (امام رضا، ۱۴۰۶: ص ۵۴)

در تربیت پیش از تولد کودک، به مرحله انعقاد نطفه نیز باید توجه داشت. بر اساس آموزه‌های دینی، یکی از مراحل که در شکل‌گیری شخصیت دینی و مهدی‌باور فرزندان مؤثر است، مرحله انعقاد نطفه است. اعمال و رفتار والدین در برخوردهای تربیتی و مذهبی سهم عظیمی را در این امر ایفا می‌کند. خاصه اینکه شرع، دستورهای زیادی برای این مرحله صادر کرده است که توجه به آنها گامی مؤثر برای تربیت نسل منتظر می‌باشد. تجربه نشان می‌دهد خواندن دعاهایی که تقویت‌کننده ارتباط با امامان معصوم است، در تربیت نسل مهدی‌باور مؤثر است.

در سوره قصص که به نقل ماجراهای قوم بنی‌اسرائیل و حضرت موسی پرداخته است، خداوند تکوّن شخصیت موسی ۷ و رشد او را کنار سه زن مؤمن فوق العاده (مادر و خواهر آن حضرت و همسر فرعون) نشان می‌دهد که این سه زن می‌توانند الگوی زنان عصر انتظار باشند. مسلماً اگر زنان بخواهند در عصر انتظار، فرزندان مطهر تربیت کنند، باید ویژگی‌های فوق العاده‌ای داشته باشند؛ مثلاً مادر حضرت موسی ظرفیت دریافت وحی داشته است؛ (هر چند این وحی در حدّ انبیا

نبوده)

خداوند به مادر موسی نبوت فرزندش را چنین نوید می‌دهد:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾؛ (قصص: ۷).

نوید نبوت مانند مقام‌های دنیایی نیست؛ بلکه پیام يك مجموعه مسؤولیت و تکلیف است. آن هم حضرت موسی که قرار بوده با سه قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی فرعون، هامان و قارون مبارزه کند. این زن باید خود بانوی لطیف، عابد، عارف، سیاسی و با درك نظامی باشد که خداوند به او چنین نوید و جایزه‌ای می‌دهد وگرنه اگر ظرفیت هريك از این‌ها را نمی‌داشت، بی‌تردید، برابر این بشارت، موضع می‌گرفت.

مرحله دوم نقش خانواده در تربیت دینی کودک، مرحله پس از تولد است. در این مرحله نیز به کارگیری اصول تربیتی، نقشی اساسی را در تربیت فرزند ایفا می‌کند؛ اما عواملی نیز هستند که احادیث سفارش می‌کنند آنها را در تربیت فرزند رعایت کنیم؛ یکی از این موارد، لقمه حلال است. خوردن و آشامیدن، شرط حیات انسان و امری است که امر و نهی نمی‌پذیرد؛ اما این که انسان چه چیزی را بخورد و چه چیزی را نخورد، مهم است. دین اسلام، برای این مسأله اهمیت فراوان قائل شده است و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد: ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾؛ پدر و مادر باید بدانند که لقمه، حتی در دوران جنینی بر ایمان و اعتقاد کودک اثر دارد. علاوه بر اینکه امام رضا 7 به حلال بودن لقمه تأکید دارد، در سخنان گهربار حضرتش مواردی دیده می‌شود که برخی مواد غذایی را برای زنان باردار توصیه می‌فرماید. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

به زنان آبستن خود کندر بخورانید که اگر در شکم، پسر دارند، هوشمند و



دلیر گردد و اگر دختر باشد، خوش خلق و زیبا گردد و... (کمره ای، ۱۳۵۱ش: ج ۱۰، ص ۲۱۷)

۲. تحکیم خانواده

در پرورش یک نسل منتظر، خانواده از جایگاه والایی برخوردار است. اگر بنا باشد مردم به حال خود رها شوند و هر کس به دنبال خواسته‌ها و هوس‌های خود برود، اجتماع به صورت ناموزون و ناهماهنگ درمی‌آید و هر ج و مرج و بی‌بند و باری بر آن، حاکم خواهد شد؛ چون اجتماع، وابسته به خانواده و تربیت خانواده است. از آن جا که اصلاح جامعه، به اصلاح فرد وابسته است، تا فرد، اصلاح نشود، جامعه هم اصلاح نمی‌شود و در این اصلاح، نقش خانواده و زن، اهمیت بسزایی دارد. به طور کلی، اجتماع، همان خصوصیتی را به خود می‌گیرد که افراد آن دارند و وقتی محیط، سالم می‌شود که افراد آن جامعه، مردمانی پرهیزگار باشند و پیوسته در راه اصلاح قدم بردارند. این حرکت تربیتی و اخلاقی در جامعه، نشانگر وجود زنان و مادرانی است که مردانی باایمان و باتقوا را در خانواده و در دامن پر مهر خود پرورش می‌دهند.

زن و شوهر در روابط عاطفی با یک دیگر باید این بیان گهربار امام رضا 7 را در نظر گیرند که:

اگر مؤمنی خشمگین شود، عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد، این خرسندی، وی را دچار باطل نمی‌کند و چون به اقتداری می‌رسد، بیش از آنچه حق دارد، نمی‌گیرد. (فضل الله، ۱۳۸۰: ص ۲۳۶)

امام رضا 7 در سیره عملی خویش در راستای تقویت عواطف و تکریم شخصیت حاضران در خانه و در جمع معاشران این گونه بود. ابراهیم بن عباس می‌گوید:



هرگز شخصیتی برتر از امام رضا 7 ندیدم. هرگز پای خویش را مقابل همنشین خویش، دراز نمی کرد و پیش از او تکیه نمی داد. به خدمتگزاران دشنام نمی گفت، صدایش به خنده بلند نمی شد و همواره با غلامان و زیردستان خود، کنار سفره غذا می نشست. (اریلی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص ۴۴۷)

۳. خودسازی زنان در جایگاه مادران اجتماع

افرادی که می خواهند در جامعه منتظران، مثمر ثمر باشند و دیگران را در راستای اهداف جامعه منتظر بسازند، ابتدا باید خودساخته و مزین به شاخصه های نیکو باشند. مسأله خودسازی برای همه مهم است؛ اما برای زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا نقش اصلی در تربیت نسل منتظر را زنان ایفا می کنند. زنان هستند که وظیفه اصلی آنان دیگرسازی است. اگر زنی خود به اخلاق مهدوی مزین باشد، می تواند بدون هزینه ای نسلی منتظر تحویل دهد. اهمیت نقش زنان در این باره به این دلیل است که مردان بیشتر تك مسؤولیتی هستند؛ یعنی تنها به ساختن خویش می پردازند؛ ولی زنان علاوه بر خودسازی به دگرسازی نیز می پردازند که همان پرورش فرزندان و نسل منتظر باشد. امام رضا 7 با توجه به این مسؤولیت عظیم مادران، سفارش اکید داشت که با زانی شایسته ازدواج کنند. آن حضرت می فرماید: ما أفاد عبد فائدة خیرا من زوجة صالحة إذا رآها سرّته و إذا غاب عنها حفظته فی نفسها و ماله؛ (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۵۶). از آنچه گفته شد، نتیجه می گیریم که مادر، اولین الگوی اخلاقی برای فرزندان است. در جامعه ای که شاخصه های منتظر بودن در مادر نباشد، تربیت نسلی منتظر محال است؛ لذا برای تربیت نسلی منتظر بر ما است که به تربیت اخلاقی مادران توجه کنیم. البته تربیت ایمانی و عبادی مادران هم در تربیت نسل منتظر اثر دارد؛ اما اخلاق مادر چون عملا به کودک نشان داده می شود، اثر بارزتری دارد.



۴. باور و ایمان والدین برای تربیتی هدفمند

آنچه در فرآیند تربیت نسل منتظر، مهم است، این است که والدین باور داشته که در جامعه اسلامی مهدی باور، باید برای فرزند به تربیتی هدفمند توجه کرد. حضرت زکریا ۷ افق دیدش این نبود که فرزندی داشته باشد تا فلان رتبه مادی و دنیایی را به دست بیاورد؛ بلکه او به تربیتی هدفمند می‌اندیشید. حضرت زکریا می‌گوید: خدایا! به من فرزندی عطا کن که وارث علم یعقوب شود و عالمی دینی شود که بتواند علمش را به دیگران منتقل کند؛ نه اینکه صرفاً یک شهروند خوب و سالم باشد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾
(آل عمران: ۳۸)

حضرت یحیا، فرزند دوره کهنسالی یک پیرمرد و پیرزن بوده؛ ولی با این حال، خداوند، او را به مقام یآوری پیامبر اولوالعزم زمان خویش نایل کرد. آن بزرگوار به سبب ممانعت از انجام فعل حرام، به دست «هیروُدس پادشاه» به طرز فجیعی به شهادت رسید؛ ولی الآن با گذشت حدود دو هزار سال همچنان نام و مقبره اش پابرجا است. وقتی یکی از شاخصه‌های نسل مهدی باور از نگاه امام رضا ۷ اندیشیدن به آینده است، این تفکر، تربیت را نیز هدفمند می‌سازد.

۵. به کارگیری اصول تربیتی

در باره اصول تربیتی، می‌توان به نکاتی اشاره کرد؛ از جمله سلامت نفس مربی. کسانی که در مصدر و بستر تربیت قرار می‌گیرند، باید ابتدا به تربیت خود پردازند. یک انسان تربیت شده، قادر خواهد بود در جایگاه مربی، نقش خود را به خوبی ایفا کند. در بیماری‌های ویروسی و واگیردار، معمولاً شخصی را که به بیماری مبتلا می‌باشد، از استفاده مشترک از وسایل، منع می‌کنند؛ زیرا انتقال میکروب، باعث



بیمار شدن افرادی است که در آن محیط زندگی می‌کنند. در خانواده‌ای که پدری عصبانی، پرخاشگر، بدزبان یا مادری مضطرب، وسواسی و افسرده وجود دارد، مسلماً در روحیه فرزندان اثر منفی می‌گذارد.

از دیگر اصول، توجه به تفاوت‌های فردی است؛ یکی از اصولی که مربی باید در تربیت، به آن، توجه کند، اصل تفاوت‌های فردی است. در قرآن کریم، آیاتی وجود دارند که تفاوت‌ها و برتری بین افراد را تشریح می‌کند. تفاوت‌ها در خلقت و در عمل و در محیط‌های گوناگون وجود دارد، و شکی نیست که این تفاوت‌های بین افراد، ناشی از حکمت الهی است؛ زیرا همین تفاوت است که آنان و اجتماع را به سوی تکامل مستمر سوق می‌دهد؛ به طوری که اگر بشر مانند زنبور عسل، یکنواخت خلق شده بود، حسّ ترقی طلبی و بلندپروازی انسانی در نهاد او وجود نداشت. گاهی در بعضی از خانواده‌ها به مواردی برمی‌خوریم که بعضی از پدران و مادران به امید داشتن فرزندان متعدّدین، بدون اینکه ظرفیت روحی و توانایی فرزندشان را در نظر بگیرند، اعمالی را بر آنها تحمیل می‌کنند و با این روش نادرست، حالت دلسردی و بدبینی به مسائل معنوی در فرزندان ایجاد می‌کنند و اشکالات گوناگون تربیتی را هم به بار می‌آورند. امام رضا 7 می‌فرماید:

حدّث الناس بما يعرفون، و اتركهم ممّا لا يعرفون. (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۵۶)
ای یونس با مردم طبق فهم و دانش آنها سخن بگو، و از آنچه درك نمی‌کنند دست بکش.

۶. تشویق جوانان به ازدواج

در جامعه‌ای که سن ازدواج بالا می‌رود و جوانان تمایلی به ازدواج نشان نمی‌دهند، فساد اخلاقی روز به روز بیشتر می‌شود؛ به علاوه، شور و نشاط جوانی برای تربیت فرزند در سنین پایین‌تر، بیشتر است. باید مشکلات ازدواج جوانان امروزی



را که بیشتر مسائل دست و پا گیر و ساختگی خودمان است، از سر راه برداشت. ۲۰ تا ۲۵ سالگی، سنی است که اوج نشاط و شادابی است و اگر جوانان جامعه در این سن ازدواج کنند، این نشاط و فعالیت، صرف تربیت فرزند می‌شود؛ در نتیجه نسلی که اینان پرورش می‌دهند، بسیار به معیارها و شاخص‌های نسل منتظر، نزدیک است. در مقابل، جامعه‌ای که جوانان در فاصله سنی بین ۳۰ تا ۴۰ ازدواج می‌کنند، و نشاط و فعالیت جوانی شان صرف تفریحات ناسالم و گناه شده است، پدر و مادری که به تفریحات ناسالم دوران جوانی عادت کرده‌اند، آیا می‌توانند نسل منتظری را تربیت نمایند؟. از امام رضا ۷ نقل شده است:

جاء رجل إلى أبي جعفر ۷، فقال أبي: «هل لك من زوجة؟» قال: «لا» قال: «ما أحب أن لي الدنيا وما فيها وأنى أبيت ليلة ليس لي زوجة» ثم قال أبي ۷: «ركعتين يصلِّيهما رجل متزوج أفضل من رجل يقوم ليلة ويصوم نهاره أعزب». (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۲۵۶)

مردی خدمت حضرت باقر ۷ آمد. امام به او فرمود: «آیا همسر داری؟» گفت: «ندارم». فرمود: «من دوست ندارم شبی زن نداشته باشم؛ در صورتی که همه دنیا مال من باشد». سپس حضرت فرمود: پدرم می‌فرمود: «دو رکعت نمازی که مرد متأهل می‌خواند بهتر از مجردی است که روزها را روزه داشته باشد و شب‌ها را به عبادت بگذراند».

در محیط خانواده، پدران و مادران باید فرهنگ صحیح ازدواج و همسر داری را به جوانان بیاموزند، تا شاهد تربیت نسلی منتظر باشیم.

تربیت نسل منتظر و سازوکارهای آن در جامعه

در برخی مسائل تربیت دینی، نقش جامعه نسبت به خانواده پررنگ تر است؛ لذا در این نوشتار به برخی سازوکارهای تربیت نسل منتظر که بر عهده جامعه است،

اشاره می‌کنیم. منظور از جامعه، نهادهای گوناگونی چون دستگاه‌های تبلیغاتی، ارگان‌های فرهنگی و آموزشی است.

۱. شناساندن امام زمان 7 به مردم

آشکار است که اقبال قلبی، از شناخت و احساس محبت، مایه می‌گیرد؛ از این رو مهم‌ترین وظیفه‌ای که شیعه منتظر بر عهده دارد، کسب معرفت درباره وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. در روایات نیز بر معرفت امام تأکید فراوانی شده است. در تربیت، معرفت امام زمان 7 بهترین وسیله تربیت ایمانی نسل منتظر است. اگر معرفت امام برای منتظر حاصل شود، او خود را در جبهه امام می‌بیند و احساس می‌کند در خیمه امام و کنار آن حضرت قرار گرفته است؛ بنابراین لحظه‌ای در تلاش برای تقویت جبهه امام خویش کوتاهی نمی‌کند. اگر بتوانیم انسان‌هایی با معرفت به امام عصر 7 تربیت کنیم، می‌توانیم بگوییم تا حدی برای ظهور، زمینه سازی کرده‌ایم.

امام رضا 7 در هر فرصتی سعی داشت به معرفی آن امام بزرگوار بپردازد. امام به دعبل خزایی فرمود: «یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی، و بعد علی ابنه الحسن، و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر فی غیبتہ، المطاع فی ظهوره، لولم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله عزّ وجلّ ذلك الیوم حتی یخرج فیملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً. (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۴۴)

امام در معرفی نشانه‌های قائم به اباصلت هروی فرمود:

در عمر پیرمردان و در منظر جوانان است، هر گاه کسی او را مشاهده کند، گمان می‌کند چهل ساله یا کمتر است. یکی از علامات او، این است که با مرور شب و روز، پیر نمی‌شود؛ تا آن گاه که اجلش فرا رسد. (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۲۲۶)

وظیفه نهادهای گوناگون آموزشی و فرهنگی است که چهره حقیقی امام عصر را





برای نسل جوان معرفی کنند.

۲. ترویج خدا گرایی در جامعه

ایمان به خدا و خداگرایی در رفتار و اعمال، از نکات مهم و اساسی برای منتظر است. خداوند متعال در قرآن کریم در باره شیعیان منتظر در آخرالزمان آیاتی دارد که ما به یکی از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم؛ خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (مائده: ۵۴).

۳. ترویج فرهنگ حق باوری (حق پویی)

در دوران آخر الزمان همه چیز مشتبه می‌گردد و فتنه‌ها فراوان می‌شود، ستاره‌های آسمان هدایت، سالیان درازی از غروبشان می‌گذرد و آخرین آنها مدّت‌ها است که از دیدگان بشر غایب شده است، در این وضعیت مشتبه و آلوده به شبهات، مؤمنان و متعهدان به امام ۷ باید مسیر حق را تشخیص داده، در مسیر آن حرکت کنند. در تربیت انسان منتظر، باید او را به گونه‌ای پرورش داد که به دنبال حقایق باشد. از منظر امام رضا ۷ حق، پذیرش توحید و حقانیت انبیا از آدم تا خاتم و تصدیق همه امامان در جایگاه جانشینان رسول خدا ﷺ است. در یک کلام حق، پذیرفتن اصول دین است، آن گونه که قرآن و اهل بیت بیان می‌کنند. [۴]

۴. گسترش عدالت محوری در جامعه

وقتی به جهان کنونی و مردم ستم دیده و مظلوم می‌نگریم، در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که پاك کردن زمین از ظلم و ستم و برچیدن بساط طاغوت، ناممکن است و مظلومان عالم، فریادرسی ندارند، تا حق آنان را از طاغوتیان بگیرد. از سویی، حکمت خداوند بر این تعلق گرفته است که زندگانی انسان براساس فطرت خدادادی



جاری شده، شالوده آن که عدالت و عدالت خواهی و ظلم ستیزی است، بدون پاسخ نماند. از طرفی دیگر، مسأله عدل در اسلام از روز نخست در همه زمینه‌ها از بُعد عقیدتی و دینی گرفته تا بُعد فقهی و اجتماعی، مورد توجه و عنایت بوده است. بشر در طول زمان، همیشه منتظر روزی بوده است که عدالت در جوامع حاکم شود و هم‌چنان در آرزوی آن، لحظه شماری می‌کند؛ تا آن رؤیای دیرینه بشر با ظهور عدل مشتهر به وقوع بپیوندد. امام رضا 7 امام زمان 7 را عدالت گستر می‌داند و می‌فرماید:

الرابع من ولدی ابن سیده الإمام، يطهر الله به الأرض من كل جور ويقدهسها من كل ظلم [و هو] الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه، فإذا خرج أشرفت الأرض بنوره ووضع ميزان العدل بين الناس، فلا يظلم أحد أحدا؛ (عطاردی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۲۲۳).

در دعای افتتاح امام عصر 7 با عنوان عدل معرفی شده است: اللهم وصل على ولي أمرک القائم المؤمل والعدل المنتظر؛
وقتی امامی عدالت گستر است، باید در جامعه نسلی را تربیت کرد که در پی عدالت و خواهان عدالت باشند. عدالت، باید محور اساسی مسائل جامعه باشد و در بحث عدالت، تفاوتی بین افراد نیست.

۵. تقویت دین داری در جامعه
امام رضا 7 می‌فرمایند: رحم الله عبداً حياً أمرنا. (فلسفی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۱۰۹)
امر دین به معنای مجموعه‌ای از آموزه‌های اجتماعی دین است. امام رضا 7 می‌خواهد که دین توسط مردم زنده نگه داشته شود، بنابراین در تربیت نسل منتظر، باید دقت کرد که آنها را به گونه‌ای تربیت نمود که مفاهیم و آموزه‌های دین را به خوبی بدانند و به احیا و نشر آن نیز بپردازند.



۶. منزلت شناسی

از دیگر ابعاد تربیتی نسل منتظر، توجه دادن او به موقعیت، ارزش و منزلتش در اجتماع بشری و نزد خداوند متعال است. نسل منتظر باید بداند که جایگاه و منزلتی که در روایات برای او ذکر شده، مقامی بس عظیم و ارزشمند است. بلندی و مرتبت مقام منتظر به حدی است که آنان را به شهدای در راه خدا تشبیه کرده‌اند. انتظار از باورهای بسیار با ارزش در تفکر شیعی و اسلامی است که در روایات ما برترین اعمال امت نامیده شده است. بر همین اساس، منتظر نیز باید بهترین امت باشد. اتصاف به صفت انتظار، تناسب و سنخیت با این مفهوم با ارزش را می‌طلبد. جایگاه منتظر، جایگاه یک مؤمن متدین و آشنا به وظایف خویش متناسب با زمان و مکان است. در ارزش، جایگاه و منزلت منتظر مؤمن و متعهد، همین بس که هر کدام از آنان با پنجاه نفر از اصحاب رسول گرامی خدا ﷺ مقایسه شده و برتر شناخته شده‌اند. این معنا در کلامی نورانی و آسمانی از وجود نازنین پیامبر اسلام ﷺ چنین آمده است:

«سیأتي قوم من بعدکم، الرجل منهم له أجر خمسين منکم». قالوا: «یا رسول الله نحن کنا معک ببدر و حنین و أحد و نزل فینا القرآن» فقال: «إنکم لو تحملون ما حملوا لم تصبروا صبرهم!» (مجلسی، ۱۴۲۱: ج ۵۴، ص ۱۳۰)

«بعد از شما قومی خواهد آمد که پاداش هر یک از آنها برابر پاداش پنجاه نفر از شما است». گفتند: «یا رسول الله مگر نه این است که ما در حضور شما در بدر و احد و حنین شرکت جستیم و قرآن در میان ما نازل شد؟» فرمود: «اگر آنچه بر آنها روی خواهد داد، بر شما روی می‌داد، شما نمی‌توانستید چون آنها صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید».

بنابراین باید نسل منتظر را آشنا با وظایف و منزلتشان کرد؛ تا دشمنان نتوانند با

تبلیغات، شأن و منزلت آنها را کمرنگ نشان داده، آنها را مجذوب خود کنند.

۷. نهادینه کردن فرهنگ انتظار

یکی از عقایدی که باید آن را در نسل منتظر نهادینه کرد، انتظار فرج است. عقیده منتظر بودن، انسان را به گونه‌ای رشد می‌دهد که متناسب با جامعه مهدوی باشد. امام رضا 7 می‌فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ؛ (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۵: ج ۴، ص ۳۷۷) به راستی قائم ما که مهدی است، آن است که باید در حال غیبتش انتظار او را بکشند.

انتظار در زمان غیبت که امام رضا 7 در کلام خود از آن سخن گفته است، انتظاری عملی است؛ یعنی نسلی که همچون امام زمان 7 زندگی می‌کنند و می‌کوشند در غیاب حضرت، فرهنگ مهدوی را بر جامعه حاکم کنند. این انتظار است که پسندیده و نیکو و مورد نظر امام است.

۸. ایجاد فضای مساعد تربیتی در جامعه

محیط مساعد تربیتی، برای تربیت همه جانبه لازم است. اگر جامعه اصلاح نشود، تلاش مریبان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. جامعه فاسد، افراد را به فساد می‌کشاند. يك نسل مطهر، نیازمند يك فضای سالم است تا بتواند در آن رشد کند؛ به عبارت دیگر، برای آنکه فرزندان و نسلی منتظر و مطهر از خود به یادگار بگذاریم، لازم است پیش از آن، خود به این باور برسیم که می‌توانیم و باید چنین فضای طاهری را مهیا کنیم. در بستر چنین فضای طاهری است که انجام وظایف عبادی برای نسل جدید امکان پذیر می‌شود. انقلاب امام مهدی 7 یک انقلاب جهانی است، نه یک انقلاب منطقه‌ای و محلی. نمی‌توان تنها به آموزش و تربیت کودک در خانه و مدرسه همت گماشت؛ در حالی که فضای کشور و جهان، فضایی ضد مهدوی است.



امام رضا 7 در زمان خود با وجود حکامی چون مأمون با تدابیر خود فضای مطهری را برای نشر فرهنگ اسلام به وجود آورد. به نظر می‌رسد زهد و پرهیزکاری امام بود که این فضای مطهر را به وجود آورد؛ لذا بر متولیان امر تربیت است که با تمسک به سیره عملی امام، فضایی مطهر را در جامعه به وجود آورند. یکی از روش‌های امام 7 امر به معروف بود که پیوسته آن را به اصحاب سفارش می‌کرد و می‌فرمود:

إذا امتی توألت الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فليأذنوا بوقاع من الله تعالى؛ (عطاردی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۳۸۲) هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، باید در انتظار عذاب پروردگار باشند.

امام نه تنها مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت می‌کرد، بلکه خود نیز به اجرای این فریضه الهی می‌پرداخت تا فساد و فحشای دشمن را خنثا کند. در کتاب ارشاد ذکر شده است که علی بن موسی 7 در خلوت، مأمون را بسیار نصیحت می‌کرد و از خداوند عز و جل بیم می‌داد و کارهای خلافی را که انجام می‌داد، تقبیح می‌کرد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۶۹).

۹. آموزش و گسترش مراسم عبادی در جامعه

از راه‌های تعالی و رشد معنویت و باورهای دینی در خانواده و جامعه، آموزش و گسترش فرایض الهی در جامعه است. در این مورد نیز والدین باید در خانه بکوشند تا انجام فرایض عبادی و فلسفه آن را برای فرزند بیان کنند. در کنار این آموزش، نهادهای تربیتی جامعه چون آموزش و پرورش، دانشگاه، صدا و سیما و رسانه‌های تبلیغاتی هم باید در گسترش تعالیم و فرایض عبادی دین بکوشند؛ برای نمونه می‌توان در جامعه، فریضه الهی نماز را گسترش داد که به گفته قرآن کریم، نماز بازدارنده از فحشاء و منکرات است. امام رضا 7 در باره فلسفه نماز می‌فرماید:



إنَّ علة الصلاة أنها إقرار بالتبوية لله عزّ وجلّ، و خلع الأنداد و قيام بين يدي الجبّار جلّ جلاله بالدّلة و المسكنة و الخضوع و الاعتراف، و الطلب للإقالة من سالف الذّنوب، و وضع الوجه على الأرض كلّ يوم إعظاماً لله جلّ جلاله و أن يكون ذاكراً غير ناس و لا بطر و يكون خاشعاً متذلّلاً راغباً طالباً للزيادة في الدّين و الدنيا مع ما فيه من الإيجاب، و المداومة على ذكر الله عزّ و جلّ بالليل و النهار و لئلا ينسى العبد سيده و مدبّره و خالقه، فيبطر و يطغى و يكون ذلك في ذكره لربه عزّ و جلّ، و قيامه بين يديه زاجراً له عن المعاصي، و مانعاً له من أنواع الفساد. (عطاردی، همان: ج ۴، ص ۱۵۵)

از دیگر موارد تاثیرگذار در جامعه می‌توان به همجواری و بودن در محضر قرآن اشاره کرد. تعالیم قرآنی باید به طرق گوناگون بین افراد جامعه شناخته و عمل شود. امام رضا 7 می‌فرماید:

اجْعَلُوا لِيُوتِكُمْ نَصِيْباً مِّنَ الْقُرْآنِ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذَا قُرِئَ فِيهِ الْقُرْآنُ يَسَّرَ عَلَى أَهْلِهِ وَ كَثُرَ خَيْرُهُ وَ كَانَ سُكَّانُهُ فِي زِيَادَةٍ؛ (فيض كاشاني، بی تا: ج ۴، ص ۲۲۰)

برای خانه‌های خود، بهره‌ای از قرآن کریم، قرار دهید؛ زیرا در خانه‌ای که قرآن قرائت شود، گشایش برای ساکنانش فراهم آید و خیرش فراوان شود و اهل خانه در برکت و فزونی باشند.

۱۰. تأکید بر نقش تعقل در جامعه

عده‌ای بر این باورند که عبادات، منحصر است در انجام نماز و خواندن نمازهای مستحب و گرفتن روزه‌های واجب و مستحب، بدون آن که در رمز و راز آن اندیشه کنند، یا در زمان و اوضاع آن تعقل نمایند؛ در حالی که در قرآن بیش از هزار بار، کلمه «علم» و مشتقات آن، که نشانه باروری خرد و اندیشه است تکرار شده است و افزون بر هفده آیه به طور صریح انسان را به تفکر دعوت کرده است. بیش از ده



آیه با کلمه «انظروا» (دقت کنید) شروع شده است. بیش از پنجاه مورد کلمه «عقل» و مشتقات آن به کار رفته است و در چهار آیه نیز قاطعانه به تدبّر در قرآن امر شده است. همچنین از کلمه «فقه» و «تفقه» و امثال آن بهره گرفته شده است. امام هشتم اصلی‌ترین عبادت را اندیشیدن و بهره‌وری از خرد می‌داند و می‌فرماید:

لیست العبادة كثرة الصيام والصلاة، وأما العبادة كثرة التفكير في امر الله؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۵۶)

عبادت، زیادی روزه و نماز نیست؛ بلکه بسیار اندیشیدن در امر خداوند است.

۱۱. ارج نهادن به پرهیزکاری در جامعه

محمد بن موسی بن نصر رازی می‌گوید: از پدرم شنیدم که می‌گفت: مردی به حضرت رضا ۷ عرض کرد: «به خدا قسم! روی زمین، از جهت پدر، احدی شریف تر از تو نیست» آن بزرگوار فرمود: «پدران مرا تقوا مشرف ساخت و اطاعت خدا، ایشان را بهره‌مند گردانید». مرد دیگری به آن بزرگوار عرض کرد: «به خدا قسم که بهترین مردمانی». آن حضرت فرمود: «ای مرد! قسم یاد مکن. بهتر از من کسی است که نزد خدا تقوای او زیادتر از من باشد و اطاعت خدا را بیش از من رعایت کند. به خدا قسم! این آیه نسخ نشده است: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾. (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۳۶)

۱۲. تبلیغات سالم همراه با عمل

در ارائه دین به مردم، نقش تبلیغات بسیار مهم است. امام رضا ۷ می‌فرماید: اگر مردم، معارف دین را از ما می‌شنیدند، عاشق دین می‌شدند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۸۰)

اگر اسلام ناب و صحیح از زبان اسلام شناسی آگاه و دلسوز گفته شود، همه تشنگان را به خود جذب کرده و مکاتب مادی و ضد دینی تعطیل می‌شود؛ چون مردم

می‌فهمند که سعادت آنها در سایه دین است.

امروزه کشورهای بزرگ، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه اسلام انجام می‌دهند و به طور مرموز با نوشتن کتاب و مقاله و فیلم و نمایشنامه با نام دین، دین را می‌کوبند. وظیفه ما است که با تبلیغات سالم، همراه علم و عمل، به مبارزه با دشمنان اسلام برخیزیم.

نتیجه

یکی از مسائل حساس جامعه کنونی، تربیت نسل است که با امام عصر خود و فرهنگ ظهور آشنا باشند. در این راستا، خانواده و جامعه هر دو نقشی اساسی را در تربیت دینی نسل منتظر ایفا می‌کنند.

امام رضا 7 به موضوع مهدویت نظر داشته و در روایات متعددی به موضوع فضیلت انتظار اشاره فرموده است. از نگاه آن حضرت، دین محوری، خدامحوری، اندیشیدن به آینده، با یاد امام عصر زندگی کردن، تفکر جهانی داشتن، و آمادگی ظهور و تخلق به اخلاق امام، از شاخصه‌های نسل منتظر است.

با توجه به ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی که آن امام برای نسل منتظر ارائه می‌دهد، می‌توان راهکارهایی را برای تربیت دینی نسل منتظر ارائه داد. در تربیت دینی نسل منتظر، خانواده و جامعه هر دو تاثیر بسزایی دارند؛ لذا در این نوشتار، سازوکارهای تربیت دینی در دو حوزه خانواده و جامعه به طور جداگانه بررسی شده است. البته تعیین کردن یک سازوکار برای خانواده به معنای تأثیر نداشتن جامعه نیست؛ بلکه در تمام موارد، خانواده و جامعه با هم نقش دارند؛ اما گاهی نقش یکی از دیگری پررنگ تر و حساس تر است. توجه به نقش خانواده، باور و ایمان والدین برای تربیتی هدفمند، خودسازی اخلاقی زنان در جایگاه مادران اجتماع، تحکیم خانواده، به کار





گیری اصول تربیتی و تشویق جوانان به ازدواج، از راهکارهایی است که نقش خانواده در آن پررنگ تر است.

شناساندن امام زمان 7 به مردم، ترویج خداگرایی در جامعه، ترویج فرهنگ حق باوری و خدامحوری و عدالت خواهی، تقویت دینداری و ایجاد فضای مطهر، آموزش و گسترش مراسم عبادی، تأکید بر نقش تعقل و نهادینه کردن انتظار فرج از مسائلی است که جامعه در اجرای آن نقش حساسی دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
۲. ، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، چ ۴، ۱۳۹۵.ش.
۳. ، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۴. ابن فارس، أبو الحسنین أحمد بن فارس، مُعْجَمُ مَقَائِیسِ اللُّغَةِ، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱م.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، قم، انتشارات الشّریف الرّضی، ۱۴۲۱ق.
۶. امام رضا، علی بن موسی، الفقه یا فقه الرضا، تحقیق مؤسسه آل البيت، مشهد، انتشارات المؤتمر العالمي للامام الرضا، ۱۴۰۶ ق.
۷. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة، بیروت، دار العلم للملایین، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۹. خواجه طوسی، نصیر الدین، اخلاق ناصری، تهران، خوارزمی، بی تا.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، تهران، مرتضوی، ۱۳۳۲ش.
۱۱. زبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۶ش.
۱۳. شیخ مفید، الإرشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۴. عطاردی، عزیز الله، مسند الامام رضا 7، مشهد، آستان قدس، ۱۴۰۶ق.
۱۵. غزالی، ابوحامد، احیاء العلوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۳، ۱۳۷۲ش.
۱۶. فضل الله، محمد جواد، تحلیل از زندگی امام رضا 7، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد،

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ش.

۱۷. فلسفی، محمد تقی، روایات تربیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۷م.
۱۹. قطب راوندی، الخرائج و الجرائح، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، نور، ۱۳۶۲ش.
۲۱. کمره ای، محمد باقر، آسمان و جهان، تهران، اسلامیة، ۱۳۵۱ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات، ۱۴۲۱ق.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقيق، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۳ش.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی